ملاحظاتی در فرهنگ هند و ایرانی

فریدنی، مشایخ

بزرگترین و عمیق‏ترین انقلاب که از لحاظ وسعت دامنه و قوت تاثیر و ثبات و دوام‏ در تایخ هند بی‏نظیر است بوسیله اسلام در آن کشور صورت گرفت.اعراب نخستین بار بسال چهل و چهارم هجری به فرماندهی مهلب بن ابی صفره از راه کابل و خیبر یعنی از سوی‏ شمال غربی هند تا پیشاور و لاهور پیش رفتند و بعد بسال نود و سه هجری از راه شیراز و کرمان و بلوچستان و مکران بدستیاری سپاهیان ایرانی و به سرداری محمد بن قاسم بن- حکم بن ابی عقیل ثقفی سند و مولتان را بگشودند.لیکن چون اسلام ایشان هنوز بصورت‏ بدوی و حملاتشان بقصد غارت و برده‏گیری بود جز ویرانی و ناامنی و کشته و نفرت چیزی‏ برجای نگذاشتند.از آن تاریخ تا آغاز قرن پنجم هجری سند و مولتان اسما در قلمرو عباسیان و یا صفاریان بشمار میرفت اما واقعا حکومت منظمی نداشت و آشیانه آوارگان‏ و میدان تاخت‏وتاز متمردان بود و اسلام با صبغه عربیت خود اثری در بهبود وضع‏ اجتماعی و اقتصادی نگذاشت.

در حقیقت اسلام وقتی انقلاب فراگیر در زندگی هند پدید آورد که همراه با تمدن‏ ایرانی و همدوش با زبان و ادب و علم و هنر ایرانی بوسیله غزنویان و اخلاف ایشان در آن‏ کشور رایج شد.این‏بار میلیونها هندو را که دارای افکار و عقاید وابسته و ادیان و آداب‏ و سنن گوناگون و طبقات مختلف اجتماعی بودند باهم یک رنگ و همداستان کرد و سطح‏ زندگی فردی و اجتماعی را بالا برد و سرزمین هند را که تاآن زمان در حال انزوا بسر میبرد به دنیای متمدن مربوط و متصل نمود.این‏بار دامنه نفوذ اسلام نامحدود بود و نه تنها در سراسر هند بلکه بممالک جنوب شرقی آسیا نیز سرایت کرد و بدون استفاده از شمشیر در پرتو فرهنگ درخشان همه آن نواحی را تسخیر نمود.اهل علم و ادب ایران همراه با سپاهیان‏ خراسانی به هند رفتند و به هندوان علم و دین یاد دادند.هند محل تلاقی آراء و عقاید مختلف و میدان فعالیت فکری و هنری از هر دسته و فرقه گردید-تمدن اسلامی ایرانی سطح‏ زندگی را بالا برد و دروازه‏های بسته هند بروی دنیای متمدن گشوده شد.اگر تعصبات جاهلانه‏ در سایر بلاد مانع رشد اندیشه و دانش بود هند مأمن همه علماء و هنرمندان و ارباب مذاهب مختلف گردید.زبان و خط فارسی بعنوان زبان مسلمانی و شعار مسلمانی و زبان‏ فرهنگ اسلامی هند را فراگرفت و در تمامی السنه محلی نفوذ کرد.

هند میدان تجلی هنر و علم و ذوق و ادب ایران گردید.علمای ایرانی معمای پیچیده‏ هند را با تألیف کتب سودمند و تحقیقی برای دنیای متمدن حل کردند.اسلام همراه با تمدن اسلامی ایران راه نجات هندوان محروم بود.فشار طبقات بالا و هرج‏ومرج عقیدتی‏ و اقتصادی و فقدان عدالت اجتماعی که قشر فشرده مردم و طبقات پائین را بستوه آورده‏ بود با این دین تازه از میان برداشته‏شد،و وجود عقاید زشت و سخیف امثال بت‏پرستی‏ و مارپرستی و شیطان‏پرستی و گاوپرستی و کوه و دریا و آفتاب‏پرستی و"لنیگا"پرستی:

جای خود را به شریعت مساوات و توحید داد.بعبارت دیگر انقلاب بزرگ اسلامی اگرچه‏ مانند طغیان نیل ابتدا با خشونت و ویرانی همراه بود اما عاقبت به سرسبزی و آبادانی و نعمت و برکت منجر شد و با میل و رغبت اکثریت مردم مربوط گردید.البته اشراف متعصب‏ که غرور طبقاتی و عزت جاه اجازه همرنگ‏شدن و تساوی با طبقات پایین را به ایشان نمیداد با اسلام به مخالفت و با مسلمانان بجنگ پرداختند.نتیجه این منازعات متحدشدن مسلمانان‏ و تشکیل ملت اسلامی و حکومتهای مسلمانان گردید که آخرین آنها همین پاکستان و- بنگلادش است.

\*\*\* مهلب بن ابی صفره در تکتازی خود به پیشاور و لاهور به گرفتن برده و تاراج و قتل‏ مخالفان اکتفاء نمود و با غنائم حاصله از همان راه که آمده‏بود برگشت(سنه 44 ه)بعد ازو- فتح سند اتفاق افتاد.و آن ناحیت،ضمیمه متصرفات عرب شد.

عربها از دیرباز با هند روابط بازرگانی داشتند و کم‏وبیش آن سرزمین را میشناختند.

وجود کامات هندی در قرآن و اشعار عرب جاهلی شاهدان این رابطه دیرین است.

اولین برخورد نظامی عرب با هند بعد از اسلام و بسال 636 میلادی در عهد عمر صورت گرفت،درین سال نخستین کشتی جنگی عربی در آبهای سند پیدا شد.این کشتی‏ حامل سزبازان مغیرة بن ابی العاص و عازم فتح بندر"دیبل‏"(نزدیک کراچی کنونی)بود چچ(پادشاه)سند که سامه بن دیواپیچ نام داشت این لشکر را بشکست و مغیره را بکشت، در عهد عثمان و علی و معاویه نیز حملاتی بر سند روی داد که همه با شکست مواجه گردید.

قسمت این بود که این فتح در عهد ولید بن عبد الملک و بدست محمد بن قاسم داماد و پسر عم‏ حجاج بن یوسف ثقفی صورت گیرد.

پادشاه سرندیب(سری‏لانکا)جمعی از زنان و کودکان تجار مسلمان را که در آن جزیره‏ بی‏سرپرست مانده بودند با هدایایی نزد حجاح میفرستاد.قضا را در نزدیکی بندر"دیبل‏" کشتی این مسافران را باد مخالفت بساحل راند و بخاک نشاند دزدان‏"نکامره‏"سندی آن‏ کشتی بادآورده را غارت کردند و زنان و کودکان مسلمان را به اسیری بردند.حجاج با اجازه خلیفه عازم جنگ با"داهر"پادشاه سند شد و لشکری به سرکردگی‏"بدیل بن طهفه‏ بجلی‏"بجنگ داهر روانه کرد ولی‏"جیسیه‏"پسر داهر او را بکشت و لشکرش را تارومار کرد.حجاح وقتی این خبر را شنید تصمیم گرفت با تمام قوا چچ سند را درهم شکند و اسرای مسلمان را آزاد کند.وی شاعری چیره‏دست بود این اشعار را بسرود:

دعا الحجاج فارسه بدیل‏ و قدما العدو علی بدیل‏ و شمر ذیله الحجاح لما دعاه ان یشمره بذیل‏ فدیت المال للغارات حشوا بلا عدیعدو لا بکیل

باین جهت داماد هفده ساله خود را که حوانی شجاع و باهوش بود به امارت سند و هند برگزید و مامور استرداد اموال و اسیران مسلمان از دریازنان سندی کرد.

محمد بن قاسم ابتدا شهر شیراز را در محل فعلی آن بنا کرد و جمع کثیری از جنگاوران‏ ایرانی را بخدمت گرفت و بعد از یکسال تدارک و تهیه از راه کرمان و مکران خود را بسند رسانید ابتدا قلعه‏"نیرن کوت‏"سپس‏"دیبل‏"را بگشود و اسرای مسلمان را آزاد نمود آنگاه‏ "سروستان و الور را فتح کرد و داهر شاه سند را در روز پنجشنبه دهم رمضان سال 93 هجری‏ (712 میلادی)بکشت و شهر الور را غارت کرده بتکده آنرا به مسجد تبدیل نمود- بعد"برهمناباد"و"اسکندره‏"را بگشود و پسران داهر را بقتل رسانید-در اوایل ربیع الاول سال نود و جهار شهر مولتان نیز تسلیم شد و با این فتح گنجها و ذخائر داهر و زن و دو دختر او بدست محمد بن قاسم افتادند-محمد بن قاسم دختران داهر را به خلیفه پیشکش کرد ولی خود او بیش از سه سال در سند نماند سلیمان بن عبد الملک او را احضار کرد و صالح بن عبد الرحمن والی عراق که با منسوبان حجاج بشدت خصومت‏ داشت محمد را در واسط زندانی و بعد بقتل رسانید(96 ه)وی این دو بیت را در زندان‏ واسط سروده‏است:

و لئن ثویت بواسط و ارضها فلّرب فارس فتیة قد رعته‏ رهن الحدید مکبلا مغلولا و لرب قرن قدر ترکت قتیلا